



گذشته، حال و آینده چین

## سفرهای برای ربع مردم دنیا!

چین به سرعت در حال تنوع اقتصادی است - تنوع در تولیدات، روش‌ها، تکنولوژی‌ها و بازارها.

شک نکنیم که قدرتمندترین اقتصاد آسیا و یکی از قدرتمندترین کشورهای اقتصادی دنیا است و این مسأله عجیبی نیست. با آن که فقط بازارهای داخلی این کشور کافی‌اند تا بتوانند چرخه اقتصادی آن را به حرکت وادارند، اما چین کشوری فرامرزی است. نگاهی به روندی که این کشور در پیش گرفته، حکایت از نوعی تنوع تولید و تناسب بازارها و تولیدات در مناطق مختلف دنیا دارد. ایالات متحد نیز مانند کشور ما یکی از شرکای عمده تجاری چین است، اما از نوع وارد کننده کالاهای باکیفیت چینی. تولید در دامنه‌های متفاوت قیمتی و برای سلیقه‌های مختلف از دیگر خصوصیات این کشور قدرتمند اقتصادی است.

جیابائو، نخست وزیر چین، این مشکلات را آفت تلقی می‌کند و معتقد است کشورش نیازمند پیشنهادات سریع و راهکارهای عملی است. رمز موفقیت چین در همین آسیب شناسی است. از سال ۱۹۷۸ تاکنون با ارایه بسته‌های پیشنهادی و مشوق‌های اقتصادی در دوره‌های گوناگون، روند اقتصادی چین هر روز بهتر از دیروز به طی مسیر پرداخته است. اقتصاد چین علیرغم رشد خارق‌العاده خود در خلال سال‌های اخیر، با ریسک‌های اقتصادی بالایی روبه‌رو شده است. یکی از ریسک‌های اقتصادی این کشور که به نوعی عدم توازن اقتصادی آن را بازگو

با همه این احوال، بزرگترین مشکل اقتصادی چین را باید در عدم توازن اقتصادی در ساختار این کشور جست‌وجو کرد. اقتصاددانان معتقدند اقتصاد چین باثبات، متوازن، هماهنگ و پایدار نیست. رشد نامتوازن سرمایه گذاری در این کشور بسیار بالا است، رشد اعتباری آن بسیار سریع است، نقدینگی در اقتصاد آن بسیار زیاد است و تجارت و پرداخت‌های بین‌المللی آن متوازن نیستند. ون

### چین در افق چشم‌انداز

متغیر	۲۰۰۵	۲۰۱۰	۲۰۲۰	۲۰۳۰	۲۰۴۰	۲۰۵۰
نرخ شهرنشینی (درصد)	۴۳	۴۸	۵۶	۶۲	۶۶	۷۰
سهم صنایع جنبی تولید از GDP	۴۸	۴۹	۴۸	۴۶	۴۲	۳۸
تعداد اتومبیل به ازای هزار نفر	۲۴	۷۰	۱۹۰	۳۰۰	۳۵۸	۴۰۰
GDP سرانه (دلار)	۳,۲۹۷	۴,۹۹۰	۸,۸۶۸	۱۴,۴۵۰	۲۲,۱۵۱	۳۲,۰۷۹
رشد GDP (درصد)	-	۹/۵	۶/۶	۵/۵	۴/۵	۳/۵
جمعیت (میلیون نفر)	۱,۳۰۸	۱,۳۶۰	۱,۴۵۰	۱,۵۲۰	۱,۵۴۰	۱,۵۰۰
رشد سرانه GDP (درصد)	-	۸/۷	۶/۰	۵/۰	۴/۴	۳/۸
تولید فولاد (میلیون تُن)	۳۵۰	۵۶۰	۸۶۰	۹۶۰	۹۱۰	۸۰۰

استخراج: «اقتصاد ایران» از گزارش توسعه انسانی چین

در این سرفصل همچنین می‌خوانید:

۴۵ سارقی به نام تورم

۴۶ تجارت رویین تن

۴۷ کیش و مات

می‌کند، افزایش نامتوازن سرمایه گذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی آن است. این موضوع از آن جهت به تعادل اقتصادی چین ضربه می‌زند که با ایجاد ظرفیت‌های اضافی در بسیاری از بخش‌های اقتصاد، قادر است نرخ بازگشت سرمایه را پایین بیاورد.

به ضریب جینی هم نگاه کنیم در می‌یابیم که این ضریب در اقتصاد چین از رقم ۰/۲۵ در سال ۱۹۸۵ به ۰/۴۷ در سال ۲۰۰۸ افزایش یافته است و این به معنای آن است که توزیع درآمدها نابرابرتر از گذشته شده که از ریسک‌های آتی اقتصاد چین حکایت دارد. حتی سهم بخش دولتی و شرکتی، به طور پیوسته در کل درآمد ملی این کشور افزایش یافته و در عوض، سهم بقیه بخش‌ها کاهش یافته است. به عنوان مثال، سهم بخش مسکن از اقتصاد از رقم ۶۸ درصد در سال ۱۹۸۵ به ۵۰ درصد در ۲۰۰۸ رسیده است. این موضوع می‌تواند به معنای کاهش سهم مصرفی هم باشد، چرا که کاهش سهم بخش‌های اقتصادی تأثیری مستقیم بر درآمد خانوار و میزان مصرف دارد.

### مدل اقتصادی چین

بر خلاف آنچه آن را برنامه توسعه اقتصادی چین می‌نامند، اقتصاد چین بر همان مبانی استوار است که در اجماع واشنگتن مطرح شده‌اند. این موضوع را به خوبی می‌توان با مقایسه عملکرد اقتصادی این کشور و مبانی نظری این اجماع مشاهده کرد. نظم مالی برای دوری از تورم پولی، بازبینی هزینه‌های عمومی، اصلاحات مالیاتی، آزادی مالی، نرخ ارز یکسان، محدودیت‌های تجاری برای واردات، اهمیت به سرمایه گذاری خارجی،



به یک و نیم میلیارد نفر برسد که البته این میزان نشان از برنامه‌های بسیار دقیق و کنترل شده دولت چین در زمینه کنترل جمعیت دارد. ■

نکته دیگر در این بین آن است که در حال حاضر جمعیت چین رقمی در حدود یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون نفر است و پیش‌بینی می‌شود این رقم در ۴۰ سال آینده

## ریسک‌های ۲۰۱۱ اقتصاد چین

# سارقی به نام تورم

## تورم و اُفت رشد اقتصادی، دو تهدید جدی اقتصاد چین به شمار می‌روند.

اقتصادی دنیا به شمار می‌روند. امروزه حتی چشم امنیت اقتصادی کشورهای بزرگ دنیا به دست چینی‌ها است. قدرت نوآوری و توانایی تولید در این کشور، حتی در مقایسه با ژاپن ۱۰ سال پیش برتر است. به علاوه، خلق چین در مقایسه با بسیاری از ملت‌های دنیا سخت‌کوش‌ترند و شاید بتوان مهم‌ترین ثروت این کشور را -



در حدود ۳۲ سال پیش، چین در جست‌وجوی راهی برای توسعه اقتصادی کشوری که بیش از ۷۰۰ میلیون نفر جمعیت را در خود جای داده بود، به اصلاحات اقتصادی روی آورد؛ اصلاحاتی که در قالب یک طرح توسعه متوازن در همه ابعاد با رویکرد توسعه ملی و محلی بنا شده بود. در حال حاضر، رشد صنعتی،

همان‌طور که آدام اسمیت در کتاب ثروت ملل به آن اشاره کرده است - نیروی کار آن دانست.

ارتقای تولیدات کشاورزی، ذخیره‌سازی و فروش کالاها در بازارهای ملی و بین‌المللی و همچنین اهتمام به تنوع کیفیت بالای تولید در کنار کمیت قابل توجه آن و قیمت تمام شده رقابتی، مهمترین اجزای طرح توسعه اقتصادی چین به شمار می‌آیند.

## سربار رشد

سال ۲۰۱۰ در شرایطی به پایان رسید که چین نرخ رشد بالایی را در کنار تورمی نزولی تجربه کرد. رشد محصول ناخالص داخلی این کشور در سه ماهه آخر سال گذشته میلادی ۰/۲ واحد درصد بیش از سه ماهه سوم آن افزایش یافته و به ۹/۸ درصد رسیده است. در عین حال، نرخ رشد اقتصادی برای کل سال ۲۰۱۰، ۱۰/۳ درصد برآورد می‌شود. گفتنی است این نرخ در سال ۲۰۰۹ معادل ۹/۲ درصد بوده است. به علاوه، سهم سرمایه‌گذاری‌های داخلی و مصرف در این کشور، در حدود ۹/۵ درصد سهم رشد اقتصادی چین را در سال گذشته به خود اختصاص داده بود، در صورتی که

هنوز ۱۰ سال از آغاز برنامه مذکور نگذشته بود که در کنار همه تسلطی که بخش عمومی بر بازارها در این کشور داشت، مشوق‌هایی جهت متنوع‌سازی عناصر توسعه اقتصادی کشور تلویحاً شدند و در کنار آنها، محیط کسب و کاری متناسب با نیازهای بازارهای اقتصادی آن خلق شد. در محیط کسب و کار برنامه ریزی شده این کشور، یکپارچگی بازارهای داخلی در کنار ایجاد ارتباط آنها با بازارهای بین‌المللی، ارتقای بهره‌وری منابع اقتصادی، تغییر ساختاری اقتصاد دولت محور به سمت یک اقتصاد مبتنی بر نظارت دولتی و ایجاد انگیزه رهبری اقتصادی برای گروه‌های اقتصادی و زمینه‌سازی رشد سایر بخش‌های اقتصادی، از مهمترین مواردی به شمار می‌روند که مورد توجه جدی کشور و مردم چین می‌باشند.

در حال حاضر، سهم چین از یک اقتصاد جهانی به سرعت در حال افزایش است. ده سال پیش، این کشور در کل در حدود ۴ درصد تولید جهانی را در اختیار داشت، اما امروز این مقدار به ۹/۴ درصد رسیده است. در گذشته، این ایالات متحد بود که موتور اقتصادی جهان به شمار می‌رفت، اما مدت‌ها است چشم‌بادامی‌های آسیایی موتور توسعه

خصوصی‌سازی اقتصادی و موارد دیگر، همگی از اهم مسائلی‌اند که در اجماع واشنگتن مطرح‌اند و در روش‌های توسعه اقتصادی چین می‌توان رد پای پُررنگ از این موارد را مشاهده کرد.

علاوه بر این، موضوع دیگر آن که در ۳۰ سال گذشته، تغییر ساختار هزینه‌ای و درآمدی دولت مرکزی به گونه‌ای بوده که با گذشت زمان، تمرکز دولت مرکزی بر درآمدها افزایش یافته است و برعکس، میزان هزینه‌ها بیشتر بر دوش دولت‌های محلی قرار گرفته‌اند. به لحاظ آماری در سال ۱۹۷۸، سهم درآمدهای دولت‌های مرکزی و محلی از کل درآمدها، به ترتیب ۱۵/۵ و ۸۴/۵ درصد بوده است.

این روند به تدریج با افزایش سهم دولت مرکزی و کاهش سهم دولت‌های محلی روندی معکوس را در پیش گرفته، به طوری که در حال حاضر این نسبت برابر با ۵۳/۳ و ۴۶/۷ درصد شده است. در بُعد هزینه‌ها هم وضع همین روال را دارد، به گونه‌ای که نسبت ۴۷/۴ و ۵۲/۶ درصدی سهم دولت‌های مرکزی و محلی در سال ۱۹۷۸ به ۲۱/۳ و ۷۸/۷ درصدی در سال ۲۰۰۸ تغییر یافته است. این موضوع به دلیل تغییر ساختار سیستم مالی این کشور است.

سیاستی که در این دوره به استناداران تفهیم شد بر مبنای یک ضرب‌المثل چینی که معتقد است "هر کس از بشقاب خود برنج خواهد خورد"، استوار بود. این به آن معنا است که اداره مالی کشور به صورت استانی باعث افزایش ثروت دولت و کاهش بار هزینه‌های آن می‌گردد.

## چشم‌انداز چین تا افق ۲۰۵۰

سازمان ملل پیش‌بینی خود را از اقتصاد چین بر مبنای تاریخ اقتصادی این کشور و روند گذشته آن به این شکل مطرح می‌کند که در آینده نرخ رشد اقتصادی چین کمتر از گذشته خواهد بود و به همین ترتیب، رشد سرانه GDP در این کشور کاهش خواهد یافت. گفتنی است رشد درآمد سرانه در چین در سال ۲۰۱۰ در حدود ۸/۷ درصد بوده و پیش‌بینی می‌شود این رقم در سال ۲۰۵۰ به ۳/۸ درصد برسد.

این گزارش همچنین از گسترش نرخ شهرنشینی و زندگی ماشینی در این کشور خبر داده است. افزایش میزان تقاضای فولاد برای تأمین نیاز تقاضای جدید برای اتومبیل در این کشور می‌تواند سرانه مصرف این فلز را در این کشور در آینده افزایش داده و به افزایش جهانی قیمت فولاد منجر شود. یادمان باشد چین بیش از ۲۵ درصد جمعیت دنیا را در خود جای داده است. طبق برآوردی که صورت گرفته میزان دسترسی مردم این کشور به اتومبیل، ۲۴ دستگاه به ازای هر هزار نفر است، اما پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۵۰ این رقم به بیش از ۴۰۰ دستگاه برسد.

